

# ویرجینیا وولف

[زندگینامه]

کوئنتین بل

ترجمہ

سُھیلا بسکی

ویرایش جدید



انتشارات نیلوفر

## فهرست

### کتاب اول

۹	سیاسگزاری
۱۱	نمونه دستخط ویرجینیا وولف
۱۳	درباره نویسنده
۱۷	پیشگفتار
۲۳	فصل اول: ۱۸۸۲
۵۳	فصل دوم: ۱۸۸۲-۱۸۹۵
۷۹	فصل سوم: ۱۸۹۵-۱۸۹۷
۱۰۵	فصل چهارم: ۱۸۹۷-۱۹۰۴
۱۴۵	فصل پنجم: ۱۹۰۴-۱۹۰۶
۱۸۱	فصل ششم: ۱۹۰۶-۱۹۰۸
۲۰۳	فصل هفتم: ۱۹۰۸-۱۹۰۹
۲۲۱	فصل هشتم: ۱۹۰۹
۲۴۳	فصل نهم: ۱۹۱۰-۱۹۱۲

### کتاب دوم

۲۸۹	فصل اول: ۱۹۱۲-۱۹۱۵
۳۲۷	فصل دوم: ۱۹۱۵-۱۹۱۸

۳۷۵	..... فصل سوم: دسامبر ۱۹۲۲ - نوامبر ۱۹۱۸
۴۱۱	..... فصل چهارم: ۱۹۲۵-۱۹۲۳
۴۳۹	..... فصل پنجم: دسامبر ۱۹۲۸ - ژوئن ۱۹۲۵
۴۸۷	..... فصل ششم: ۱۹۳۱-۱۹۲۹
۵۲۳	..... فصل هفتم: ۱۹۳۴-۱۹۳۲
۵۴۵	..... فصل هشتم: ۱۹۳۶-۱۹۳۴
۵۶۹	..... فصل نهم: سپتامبر ۱۹۳۹ - نوامبر ۱۹۳۶
۵۹۱	..... فصل دهم: ۱۹۴۱-۱۹۳۹

### ضمیمه‌ها

۶۱۷	..... ضمیمه ۱: گزارشی از تدریس در مورلی کالج
۶۲۱	..... ضمیمه ۲: ویرجینیا وولف و نویسندگان یوفروسین
۶۲۵	..... ضمیمه ۳: کلا یویل و نوشتن سفر دریایی
۶۳۵	..... ضمیمه ۴: شوخی در دنات
۶۴۱	..... ضمیمه ۵: ویرجینیا وولف و جولیان بل
۶۴۹	..... تصاویر
۶۶۵	..... فهرست نام‌ها و آثار

## فصل اول

۱۸۸۲

ویرجینیا وولف از خانواده استفن بود. این خانواده در نیمه قرن هیجدهم از تیرگی گمنامی بیرون آمد. اعضای خانواده استفن در ابردین‌شایر<sup>۱</sup> به کشاورزی، تجارت و معامله کالاهای قاچاق اشتغال داشتند. در مورد جیمز استفن، اهل اردن برات<sup>۲</sup> اطلاعات زیادی نیست، جز این که در ۱۷۵۰ درگذشت و هفت پسر و دو دختر از خود به جا گذاشت. بیشتر پسرها بر اساس سنت تبارشان به خارج رفتند تا بختشان را بیازمایند. یکی از آنها، ویلیام استفن، در جزایر آنتیل<sup>۳</sup> اقامت کرد و از طریق تجارت ناپسند برده‌های بیمار و درمان آنها برای فروش در بازار ثروتمند شد. دیگری، جیمز استفن، که وکالت خوانده بود، تجارت پیشه کرد و کشتی‌اش در سواحل دورست<sup>۴</sup> غرق شد. او که پیکری هرکول‌وار داشت، خود و چهار همراهش را با تلاش و کوشش خویش و به کمک یک بشکه کنیاک رهانید. هوا تاریک بود، توفان می‌غرید، اما آنها از پرتگاهی صعب خود را بالا کشیدند، پرتگاهی که «یک گربه به سختی می‌توانست از آن بالا رود»، و خود را در جزیره پربک<sup>۵</sup> یافتند. در آنجا آقای میلنر<sup>۶</sup> گمرکچی ابتدا کمکش کرد و پس از آن مهمان‌نوازانه به خانه‌اش برد و به قدری خوب اوضاع را سر و سامان داد که جیمز نه تنها توانست بیشتر محموله کشتی خود، که قلب دوشیزه سیبلا میلنر<sup>۷</sup> را

---

1. Aberdeenshire

2. Ardenbraught

3. West Indies

4. Dorset

5. Isle of Purbeck

6. Milner

7. Sibella Milner

نیز که مخفیانه با او ازدواج کرد، به دست آورد.

آقا و خانم استفن سعادت‌مند نشدند. جیمز در تجارت شکست خورد، بدهکار شد و بزودی به زندان کینگز بنچ<sup>۱</sup> افتاد. اما در مقابل این مصیبت چنان واکنشی نشان داد که برای اخلافتش نمونه شد. قلم برداشت و به دفاع از خود برخاست. او (تا آنجا که می‌دانم) اولین فرد خانواده استفن بود که کتابی نوشت. اما از آن پس کمتر می‌توان کسی را یافت که نوشته‌ای منتشر نکرده باشد. و نسل‌های بعدی هرکدام چیزی به دستاوردهای ادبی خانواده افزودند.

جیمز استفن با به عهده گرفتن دفاع از خود در دادگاه، یک سنت خانوادگی دیگر را هم بنا کرد. در واقع نه تنها از خود دفاع کرد، بلکه تبلیغی را در زندان سازمان داد که تقریباً به یک شورش انجامید. اعلام کرد که مجازات حبس برای بدهی مالی، وحشیانه و مغایر با روح حقوق عرفی، فرمان آزادی<sup>۲</sup>، قانون مصوب، و عدالت، انسانیت و سیاست است. همه اینها نکاتی بودند که ارزش گفتن داشتند اما تا آنجا که به او مربوط می‌شد عملاً تأثیری نگذاشتند و سرانجام آزادیش را مرهون بستانکار خود شد. مبارزات قانونی و سیاسی استفن متقاعدش کرد که بیشتر در حرفه وکالت استعداد دارد تا تجارت. وارد میدل تمپل<sup>۳</sup> شد، اما الهه<sup>۴</sup> نظم و قانون انگلستان که بعدها به بسیاری از فرزندانش خوشامدگفت، او را پذیرفت. اعتراضات جیمز دشمنان بسیار برایش فراهم آورده بود و او به دلیل فقدان «اصالت خانوادگی، ثروت، تحصیلات و شکیبایی» پذیرفته نشد.

اما برای ورود به حرفه وکالت یک در مخفی هم بود که استفن از آن وارد شد. شریک یک مشاور حقوقی شد و توانست با نام او کار خود را پیش برد. اما این کار اعتبار چندانی برایش به بار نمی‌آورد. موکلینش آدم‌هایی مشکوک بودند.

### 1. King's Bench

۲. Magna Carta، فرمان آزادی (مشروطه) که در ۱۳۱۵ میلادی پادشاه انگلستان را وادار به امضای آن کردند. - م.

۳. Middle Temple، یکی از چند نهاد صدور جواز وکالت در انگلستان. - م.

۴. Themis: در میتولوژی یونان، الهه نظم و قانون، دختر اورانوس و ژوپیتر. - م.

کارش در میخانه‌ها انجام می‌گرفت و برایش شهرتی ناچیز و درآمدی ناچیزتر به ارمان می‌آورد. همسر بیچاره‌اش که یقین پیدا کرده بود این شکست‌ها را خدای متعال مقدر کرده است تا به خاطر ازدواج مخفیانه تنبیهش کند، در ۱۷۷۵ درگذشت و جیمز استفن چهار سال بعد به او پیوست. در هنگام مرگ فقط ۴۶ سال داشت و شش فرزند، و پول تقریباً کافی برای پرداخت بدهی‌هایش از خود به جا نهاد.

جیمز، دومین فرزند از شش فرزند او، که می‌توانیم برای آسان‌تر شدن کارمان آقا جیمز بنامیمش، بیشتر از آن‌های دیگر به ما مربوط می‌شود. او که در فضایی مشحون از تنگدستی و بحث درباره دعواهای قانونی پرورش یافته بود ثابت کرد که فرزند خلف پدر است. او هم شبنامه نوشت و سر در پی سودهایی گذاشت؛ اما اگر پدر گرفتار ماجراهای شخصی بود، آقا جیمز استعداد مجادله را برای مقاصدی مهم‌تر به کار گرفت. مقدر بود که در راه وطن و انسانیت، آزادیخواهی پیشه کند و جنگی را میان دو ملت بزرگ به راه اندازد.

اما اولین مبارزه را، تا اندازه زیادی مطابق روش پدرش صورت داد. به رغم تحصیلات رسمی ناقص، به کالج ماریسکال<sup>۱</sup> در ابردین<sup>۲</sup> راه یافت و با وجود بنیه ضعیف، تحصیلاتش را ادامه داد. در رشته‌ای که بعدها فلسفه طبیعی (یعنی علوم) نامیده شد تحصیل کرد و موفقیت‌هایی هم به دست آورد. اما پی برد امتحانی به زبان لاتین، راهش را بسته است. می‌دانست که در امتحان شکست می‌خورد و بدتر این که مسخره خاص و عام می‌شود (مردی بسیار حساس بود).

پس چه باید می‌کردم؟ شاید برای نوجوانی هفده ساله، جسارت اندیشیدن به نقشه‌ای برای پنهان کردن نقصان‌ها و حفظ اعتبار شخصی و پیاده کردن ماهرانه آن نقشه، از طریق بدعت‌گذاری در شیوه متعارف دانشگاهی قدیمی، کاری غیرعادی تلقی شود. با این همه من طرحش را ریختم و به اجرا درآوردم.